

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور: کتاب الشتر (بازخوانی تجربه‌ی طرح سلسله) /

به‌کوشش بهرنگ صدیقی و رضا حانوی

مشخصات نشر: تهران، نشر چرخ، ۱۴۰۴

مشخصات ظاهری: ۳۶۸ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۸۶۴-۱۹-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی:

یادداشت:

یادداشت: عنوان دیگر:

موضوع:

موضوع:

شناسه‌ی افزوده:

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیویی:

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی:

کتاب الشتر

بازخوانی تجربه‌ی طرح سلسله

به کوشش

بهرنگ صدیقی و رضا حائری



بهورز، طرحی از وینچنزو بیانکینی

نشر چرخ: ناشر علوم انسانی خانواده‌ی فرهنگی چشمه

کتاب‌الشر

- بازخوانی تجربه‌ی طرح سلسله -

به‌کوشش بهرنگ صدیقی و رضا حائری

ویراستار: حسن مرتضوی

مدیر هنری: فواد فراهانی

همکاران آماده‌سازی: نسرين غفوری، فاطمه حاتمی، منصوره مهدی‌آبادی

لیتوگرافی:

چاپ:

تیراژ: نسخه

چاپ اول: ۱۴۰۴، تهران

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۸۶۴-۱۹-۲

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چرخ است.

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

قیمت: تومان

دفتر مرکزی خانواده‌ی فرهنگی چشمه (تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰)

تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی کریم‌خان (تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶)

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نیش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی کورش (تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۹)

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نیش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی کارگر (تلفن: ۸۸۳۳۳۵۸۳)

تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی دانشگاه (تلفن: ۶۶۴۷۹۴۷۰)

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، بین فخر رازی و دانشگاه، پلاک ۱۲۰۶.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی جم (تلفن: ۲۶۴۵۰۸۷۲)

تهران، نیاوران، جماران، مجتمع تجاری خم‌سنتر، طبقه‌ی دوم، پلاک ۱۱.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی بابل (تلفن: ۰۱۱-۴۴۴۳۰۷۱-۲)

بابل، خیابان مدرس، نیش مدرس ۲۱، مرکز خرید پلازا، طبقه‌ی سوم، واحد ۳۱۱.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی دلشدگان (تلفن: ۰۵۱-۳۸۶۷۸۵۸۷)

مشهد، بولوار وکیل‌آباد، بین وکیل‌آباد هجده و بیست (بین هفت‌تیر و هنرستان)، پلاک ۳۸۶.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی دلشدگان آرمیناژ

مشهد، بولوار وکیل‌آباد، بولوار هفت‌تیر، مجتمع تجاری آرمیناژ، طبقه‌ی سوم.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی رشت (تلفن: ۰۹۰-۲۱۴۹۸۴۸۹)

رشت، خیابان معلم، میدان سرگل، ابتدای کوچه‌ی هفدهم.

کتاب‌فروشی چشمه‌ی البرز (تلفن: ۰۲۶-۳۵۷۷۷۵۰۱)

کرج، عظیمیه، بولوار شریعتی، مرکز تجاری فرهنگی مهرادمال، طبقه‌ی پنجم.

تلفن پخش کتاب چشمه: ۷۷۷۸۸۵۰۲

www.cheshmeh.ir
charkhpublication @
charkhpublication

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۲	چند نکته درباره‌ی اسناد و منابع
۱۵	روزنگار اجرای طرح سلسله: پاییز ۱۳۵۳ - زمستان ۱۳۵۷
۲۵	آلبوم گزیده‌ی طرح سلسله
۳۹	از بهورز تا مردم‌یار: درباره‌ی طرح توسعه‌ی منطقه‌ای سلسله (الشتر)
۴۳	زمانه
۶۳	طرح بهورز: تندرستی عشایر به دست عشایر
۷۲	هم‌زمانی، بی‌هم‌افزایی
۷۷	طرح توسعه‌ی منطقه‌ای سلسله: توسعه از پایین، منابع از بالا
۷۹	توسعه‌ی یکپارچه
۸۲	دشت الشتر
۸۷	از ایده تا اجرا
۹۲	تدارک استقرار
۹۷	گام‌های نخست
۱۰۳	آموزگاران، بهورزان، و مروجان
۱۰۹	ایده‌هایی نو
۱۱۷	نگاه کل‌نگر: تنه‌ی مشترک
۱۲۰	مردم‌یاران
۱۲۵	زیر ذره‌بین دولت
۱۲۶	اولین حساب‌کشی
۱۳۱	حساب‌کشی‌ای دیگر: توسعه‌نیافته / عقب‌افتاده!
۱۴۰	تسخیر مقرهای قدرت و شتاب طرح

تدارک آرشیو برای «کاری که به آزمودنش می‌ارزد!»	۱۴۹
واگویه‌های جمعی درباره‌ی توسعه	۱۵۰
توسعه، انسان، جامعه	۱۵۱
از وابستگی به پیوستگی	۱۵۳
توسعه یعنی توسعه‌ی درون‌زا	۱۵۵
توسعه‌ی اقتصادی یا اجتماعی؟	۱۵۵
از کل به جزء	۱۵۸
توسعه، نه اجتماعی، نه اقتصادی... ذهنی	۱۵۹
گوش سپردن به مردم... اما کدام مردم؟	۱۶۲
آمارنامه	۱۶۴
بیان کار	۱۶۶
کنکاش در قلمروهای تازه	۱۷۰
روزنگار تیر خلاص	۱۷۲
ارزیاب پشت ارزیاب	۱۷۶
طرحی غیربومی و مایه‌ی آشفتگی جامعه‌ی بومی	۱۷۷
چه شد که کار به این جا کشید؟	۱۸۱
گردباد انقلاب	۱۸۸
اولین اخبار	۱۹۰
از طرحی یکپارچه به طرحی چهل تکه	۱۹۱
اما ادامه‌ی داستان...	۱۹۶
منابع	۲۰۹
طرح سلسله: روایتی شفاهی	۲۱۹
فیلم‌نامه‌ی مستند آموختن برای زیستن	۲۷۹
منبع‌شناسی گزیده‌ی طرح‌های بهورز، سلسله و ای‌پی‌آی	۲۹۷
نمایه	۳۰۵

گفتند راهی نیست، گفتیم راه را با طی کردنش می‌سازیم.

آنتونیو ماچادو (۱۸۷۵-۱۹۳۹)، شاعر اسپانیایی

مقدمه

مدرنیزاسیون گسترده‌ی کشور، که از دهه‌ی ۱۳۴۰ با پوست اندازی دستگاه دولت و از جمله تشکیلات دخیل در توسعه، نظیر سازمان برنامه، اوج گرفت و هدفش توسعه‌ی زیرساخت‌های صنعتی، دگرگونی روابط مالکیت در روستاها از مسیر اصلاحات ارضی و ادغام جامعه‌ی دهقانی با گسترش خدماتی چون سپاه دانش، بهداشت و ترویج و آبادانی بود، کسانی را به فکر ارائه‌ی مدلی جایگزین در قالب توسعه‌ی مشارکتی در اجتماعات محلی و روستایی انداخت.

این افراد، که پیامدهای اجتماعی و سیاسی مدرن‌سازی از بالا را در سطح بین‌المللی و ایران دنبال می‌کردند و از نفوذ سیاسی لازم برای طرح اندیشه‌های خود برخوردار بودند، توانستند در آغاز دهه‌ی ۱۳۵۰ پروژه‌هایی را با الگوی خود به اجرا بگذارند. نهادهایی چون سازمان مدیریت صنعتی که به همت مهدی قراچه‌داغی تأسیس شد، مرکز پژوهش‌های دهقانی و روستایی تحت مدیریت نادر افشار نادری، و سازمان توسعه‌ی خلیج فارس توسط محمود زند مقدم به چنین مسیری می‌رفتند.

طرح توسعه‌ی منطقه‌ای سلسله‌ای هم از جمله همین تجارب و ابتکارات در ایران است که با ایده‌پردازی و مدیریت مجید رهنما در منطقه‌ی سلسله (الشتر)، لرستان، بین سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ اجرا شد. این طرح، که در منطقه‌ای با حدود ۳۰۰ روستا و با پوشش جمعیتی حدود ۵۰ هزار نفر در زمینه‌های بهداشت، سوادآموزی و عمران به شیوه‌ی مشارکتی برنامه‌ریزی و اجرا شد، در واقع طرحی پایلوت بود و به منظور ایجاد الگوی مناسب توسعه‌ی منطقه‌ای منطبق با شرایط خاص ایران شکل گرفت. ویژگی این الگو فکر و اقدام هم‌زمان برای ایجاد تغییر به دست عاملان گوناگون شامل مردم و دولت و منتقدان محلی، هماهنگ در زمینه‌های متفاوت اقتصاد محلی، جامعه، فرهنگ، ساختار اداری و نهادسازی برای تداوم بود.

هدف این طرح عبارت بود از یافتن روشی جدید با مشارکت مردم و با اتکا بر ظرفیت‌های آنان و استعداد‌های منطقه به منظور توسعه‌ی درون‌زا، یکپارچه و متکی به خود. در این الگوی توسعه‌ی مشارکتی و از پایین، منابع داخلی و شرایط تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اجتماع محلی مورد توجه قرار گرفتند. با این وصف، طرح توسعه‌ی منطقه‌ای سلسله از جمله تجارب ناشناخته یا فراموش شده‌ی توسعه‌ی مشارکتی در ایران است که امروز مرور و بازبینی زمینه‌ها و دستاوردهای آن می‌تواند پرتویی بر تاریخ توسعه در ایران بيفکند.

پروژه‌ی بازخوانی تجربه‌ی سلسله پروژه‌ای پژوهشی - ترویجی است که از ۱۳۹۴ با هدف مستندسازی، بررسی و معرفی طرح توسعه‌ی منطقه‌ای سلسله آغاز شد. گرچه، به سبب پیوند وثیقی که بین طرح سلسله و ایده پرداز و مجری آن، مجید رهنما، وجود دارد، واکاوی این طرح بدون پرداختن به زندگی پرتکاپوی رهنما میسر نیست. رهنما که چهره‌ای بین‌المللی و شناخته شده در تنوری پردازی توسعه به شمار می‌آید، و در دوره‌ی پهلوی دوم سابقه‌ی پایه‌گذاری و تصدی وزارت علوم و آموزش عالی ایران را نیز در کارنامه دارد، پس از استعفا از وزارت در ۱۳۴۹، تا ۱۳۵۷ به پژوهش در خصوص جامعه‌ی روستایی و اجرای طرح‌های توسعه از پایین در ایران پرداخت. و البته، پس از پی‌گیری همین ایده در دیگر نقاط جهان، در ادامه در مقام یکی از پایه‌گذاران مکتب پساتوسعه^۱ به منتقد تمام‌عیار گفتمان توسعه بدل شد.

طی پروژه‌ی بازخوانی تجربه‌ی سلسله بنا داریم، در کنار پرداختن به طرح توسعه‌ی منطقه‌ای سلسله، به گردآوری اسناد و آثار مجید رهنما و همین‌طور کندوکاو در زندگی و تحولات فکری و طرح‌های توسعه‌ای که در ایران و جهان اجرا کرده‌ایم. با این همه، کتاب پیش‌رو نخستین حاصل این پروژه است که تمرکز بر روایت جزء به جزء طرح توسعه‌ی منطقه‌ای سلسله بنا بر اسناد دستیاب است. بر این اساس، کوشش کرده‌ایم، ضمن توضیح پیش‌زمینه‌ها، پاگیری و اجرای این طرح را در بافت و بستر و فضای کلی حاکم بر کشور بگذاریم. امید داریم این روایت زمینه‌ی بسنده‌ای برای کارهای پژوهشی و تحلیلی بیش‌تر در این حیطه فراهم آورد.

۱. post-development theory: مکتب «پساتوسعه» از دهه‌ی ۱۹۸۰ در انتقاد از فرایند توسعه‌ای پا گرفت که در ادبیات توسعه‌ی پس از جنگ جهانی دوم رایج شد. این مکتب ایده و کردوکارهای مرتبط با توسعه را، که در کشورهای شمال جهانی معمول شد، در اصل، پاسخ نادرستی به نیازها و آرزوهای راستین جهان جنوب می‌داند.

از دیگر خروجی های این پروژه که در دست تهیه اند می توان اشاره کرد به انتشار کتاب های گفت وگو با مجید رهنما (۱۳۹۳ - ۱۳۹۰)، تاریخ شفاهی طرح سلسله، بازخوانی کردوکارهای مجید رهنما در سایه ی آثارش و برگزاری سمینارهایی در این رابطه. به علاوه، وبسایت آرشیو طرح سلسله نیز با هدف ایجاد امکان دسترسی عمومی به اسناد و آثار مربوط به طرح سلسله و مجید رهنما در حال طراحی و راه اندازی است. همراهمان پروژه ی بازخوانی تجربه ی سلسله (الشر) در مراحل و سطوح متفاوت در این سال ها عبارت بوده اند از: آذر تشکر، آن مارتین، آلاله نوایی، احمد محمدزکی، اعظم خاتم، امیر طهرانی، پوریا جهانشاد، پونه رهنما، ثمر صارمی، جان نورتون، جولیا جورجی، جونی فرمانفرمائی، حمیدرضا یوسفی، ستاره هاشمی، سیروس دهنادی، سینا انعامزاده، شروین مقیمی، شهرام قنبری، علی رهنما، فاطمه محمدزاده، فروغ عزیزی، کاترین رضوی، کاوه رهنما، محمود مرادی، معصومه زمانی، آلن کین، ندا ناجی، نسترن موسوی، نیلوفر نیکسار، همایون سیریزی، هوشنگ بافکر، هوشنگ شهیدی، فرهاد رهنما، زهره زواره و مجید لشکری.

به علاوه، لازم است یادی کنیم از دوستان دیگری که آن ها نیز نقش مهمی در شکل گرفتن این کتاب داشته اند: دوستان مان در کتابخانه ها، به ویژه خانم دکتر کهن در کتابخانه ی ملی، دوستانی که در پیاده سازی متن گفت وگوها کمک مان کردند؛ دوستانی که کار پر زحمت ویراستاری، نمونه خوانی و حروف چینی را انجام دادند؛ طراحان جلد مجموعه؛ و دوستانی که در تهیه ی روزنگار همراهی مان کردند. و البته محبت ها و پی گیری ها و پیشنهادهای کارساز دبیر نشر چرخ، آقای حسن مرتضوی گرامی و آقای بهرنگ کیائیان عزیز، و دیگر دوستانی که در این نشر گرد آمده اند جبران نشدنی است.

صمیمانه تشکر می کنیم از همه ی دوستان و همراهمانی که گشاده دستانه آن چه داشتند با ما به اشتراک گذاشتند و هر کمکی از دست شان برآمد برای پیش برد این طرح انجام دادند، چرا که امیدوارمان کردند که کار جمعی همچنان معنی دارد و عملی است. سعی کردیم از همه ی دوستانی که اگر نبودند این کتاب به این سرانجام نمی رسید نام ببریم، که البته این کمترین قطعاً جواب گوی محبت های شان نیست، و اگر کسی را از قلم انداخته ایم عذر می خواهیم و می کوشیم از مسیرهایی دیگر یادآور لطف شان شویم. گرچه محبت های هیچ یک از دوستانی که در این متن نام

بردیم هیچ مسئولیتی در خصوص کاستی‌ها، ضعف‌ها و اشتباهات این مجموعه متوجه‌شان نمی‌کند و هر چه عیب در آن هست از سردبیران مجموعه است و کاش دیگران متذکر آن‌ها شوند.

چند نکته درباره‌ی اسناد و منابع

با همه‌ی این تلاش‌های جمعی و دوستان خوبی که حول کار گرد آمدند، همچنان اسناد و مدارک و منابعی هستند که به وجودشان واقف‌ایم ولی نمی‌دانیم کجا، و البته در مواردی هم می‌دانیم کجا هستند، اما به هر دلیل در اختیارشان نداریم. در کتاب‌های مجموعه‌ی سلسله مکرر درباره‌ی مشکلات یافتن و بررسی اسناد و منابع گفته‌ایم. این که چه قدر این اسناد ناقص و پراکنده‌اند. حتی به آثار و مقالات منتشرشده‌ی خود رهنما هم به سادگی دسترسی نداشتیم، از جمله چون برخی از آن‌ها زمانی در نشریه‌ای منتشر شده بودند که دیگر اثری از آن نیست. می‌خواستیم تا جای ممکن چیزی از قلم نیفتد و به همه‌ی اسناد و مدارک و منابع موجود دسترسی بیابیم و تلاش مان را در این راه کردیم. البته چنان که گفتیم این پروژه از سال ۱۳۹۴ شروع شد و با اوج و فرودهای فراوان پیش رفت. اسناد و مدارک و منابع هم به همین ترتیب تدریجی و مقطع به مقطع به دست مان رسیدند و به تدریج تکمیل شدند و بنابراین رفت و برگشت‌های بسیاری بین این اسناد و مدارک داشتیم تا صحت و اعتبارشان را تا جای ممکن محک بزنیم.

برخی از آرشیو‌هایی که برای دسترسی به این اسناد و منابع به آن‌ها مراجعه کردیم عبارت بودند از: بخش‌های متفاوت کتابخانه‌ی ملی و مرکز اسناد ایران، کتابخانه‌ی مجلس، کتابخانه‌ی سازمان برنامه، سازمان مدیریت صنعتی، مؤسسه‌ی سنستا، مجموعه‌ی تاریخ شفاهی هاروارد، مجموعه‌ی تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایرانیان، کتابخانه‌ی یونسکو، کتابخانه‌ی سازمان ملل، کتابخانه‌ی سازمان بهداشت جهانی، کتابخانه‌ی دانشگاه پاریس، کتابخانه‌ی دانشگاه سیدنی، کتابخانه‌ی دانشگاه استنفورد، کتابخانه‌ی دانشگاه بریتیش کلمبیا، کتابخانه‌ی ابوریحان بیرونی الشتر، کتابخانه‌ی دانشگاه تهران، آرشیو دی‌دلیو^۱، و البته آرشیو‌های شخصی.

نقص و پراکندگی اسناد و منابع دلایل متفاوتی داشته، از جمله این که اساساً دست‌اندرکاران طرح سلسله تا جایی چنان از بوروکراسی گریزان بودند که قراری برای ثبت و ضبط نداشتند و البته انقلاب ۵۷ هم بخش مهمی از آرشیومان را در همی عرصه‌ها و از جمله در این مورد از دسترس خارج کرد و پراکند که در همین کتاب به آن اشاره کرده‌ایم. این پراکندگی و نقایص چاره‌ای برای مان نگذاشت که در خواندن اسناد در بسیاری موارد به حدس و گمان متوسل شویم و تا جای ممکن این‌ها را در متن متذکر شده‌ایم.

با این اوصاف، یکی از منابع این پژوهش خاطرات افراد درگیر در زمانه‌ی مورد بحث و تاریخ شفاهی آن‌ها بوده است. البته که خاطرات به معنای دقیق کلمه اغواگرند — هم‌زمان می‌فریند و گمراه می‌کنند و وسوسه‌ی برساخت روایتی یک‌دست هم‌پای گمراه‌آمیز بودن همین یک‌دستی پیش می‌رود. کسی که حافظه‌اش را فرامی‌خواند و قصه‌ای چند ده‌ساله را از زندگی‌اش می‌گوید خواسته یا ناخواسته چیزهایی را دور می‌ریزد تا نتیجه‌اش تصویری مقبول و معقول جلوه کند. آن‌چه رهنما و دیگران در تاریخ شفاهی گفته‌اند، که بسیاری جاها برای پر کردن خلأهایی که در داده‌ها داشتیم به آن‌ها ارجاع داده‌ایم، مستثنی از این قاعده نیست.

این نیز گفتنی است که، با همه‌ی وسواسی که در ثبت دقیق تاریخ‌ها به خرج دادیم، در مواردی نتوانسته‌ایم به دقت مشخص‌شان کنیم و به ناچار بنا به نوشته‌ها و اظهارات کسانی عمل کرده‌ایم که ذیل پروژه‌ی تاریخ شفاهی طرح سلسله با آن‌ها گفت‌وگو کردیم، یا با استنتاج از منابع آن‌ها را ثبت کرده‌ایم. و البته در مجموع، در این مورد و باقی موارد، در استفاده از داده‌های تاریخ شفاهی تمام تلاش مان را کرده‌ایم که با مطابقت دادن آن‌ها در گفت‌وگو با افراد متفاوت تا جای ممکن از دقت‌شان اطمینان یابیم و امیدواریم کم‌ترین بی‌دقتی‌ای در آن‌ها باشند. چنان که گفته شد، به همه‌ی اسناد هم دست پیدا نکردیم و ردپای بعضی را در بعضی دیگر پیدا کردیم، بی‌آن‌که به خود منبع دست بیابیم. البته همه را در منبع‌شناسی آورده‌ایم تا شاید روزی پیدا شوند. در منبع‌شناسی سعی کردیم تقریباً هر منبعی را که ارجاع معناداری در آن به طرح سلسله یا مجید رهنما وجود داشت، ولو در چند عبارت کوتاه، بیاوریم. در باره‌ی برخی اسناد و منابع و گفت‌وگوها، یادآور می‌شویم که گاه در آن‌ها به جای واژه‌ی طرح سلسله از طرح الشتر استفاده شده که تغییرشان ندادیم و فکر

کردیم کافی است همین جا متذکر شویم تا ضمن حفظ اصل متون، مایه‌ی سردرگمی خواننده نشود. و نکته‌ی نهایی این‌که در برخی موارد از نقل قول‌ها اندک تغییرات، عمدتاً ویرایشی، دادیم تا منظور گوینده روشن‌تر منتقل شود.

روزنگار اجرای طرح سلسله:
پاییز ۱۳۵۳- زمستان ۱۳۵۲

پیش زمینه

- طرح «راهی نوبه سوی تدرستی»:
- شروع: آذر ۱۳۵۱
- پایان: ۲۸ آذر ۱۳۵۲
- تحویل گزارش: بهمن ۱۳۵۳
- طرح بهورز:
- آغاز: تابستان ۱۳۵۱
- آغاز آموزش بهورزان: تیر ۱۳۵۲

طرح سلسله: از تدارک تا اجرا

— ۱۳۵۲

- مهر: جست و جو برای انتخاب منطقه‌ی اجرای طرح سلسله.

— ۱۳۵۳

- بهار: بازدید از دشت الشتر؛
- انتخاب منطقه به کمک سیروس دهنادی؛
- هماهنگی‌های اولیه‌ی رهنما با هویدا برای شروع طرح؛
- استقرار هوشنگ با فکر در منطقه؛
- رفت و آمد سیروس دهنادی و کاترین رضوی به منطقه‌ی اجرای طرح بهورز؛
- راه اندازی مرکز مطالعات توسعه‌ی درون‌زا با مدیریت تقی فرور؛

- اجرای طرح زمینه‌سنجی سازمان مدیریت صنعتی با مدیریت سعید رهنما؛
- اضافه شدن تدریجی افراد تازه: شهرام عبقری، جواد نیازی و عباس سیاحی (برای گروه آموزگاران)؛
- تلاش برای احداث سیل گیر، بیش تر برای جلب مشارکت مردم، به دست بافکر و عبقری که با حضور بولدوزر استانداری مردم ناامید می شوند؛
- استقرار سیروس دهنادی و تدارک تشکیل گروه مروّجان؛
- استقرار هوشنگ شهیدی در منطقه و تدارک تشکیل گروه بهورزان.

تابستان و پاییز

- ۲۸ مرداد: صدور حکم رهنما به عنوان مسئول تهیه طرح توسعه‌ی منطقه‌ای
- سلسله از جانب هویدا؛
- آغاز رسمی طرح؛
- مذاکره‌ی رهنما با هویدا و اشرف پهلوی برای تخصیص بودجه؛
- انتخاب اولین رئیس اجرایی طرح: یوسف دهنادی؛
- تدارک گروهی ۱۳ نفره برای آموزش گروه‌های سه‌گانه.

زمستان

- دی: تشکیل گروه ۳۰ نفره‌ی آموزگاران با مدیریت بافکر و استقرار در خانه‌ای
- روستایی در دره‌ی هُنام؛
- اسفند: آغاز آموزش گروه ۳۵ نفره‌ی بهورزان با مدیریت هوشنگ شهیدی.

۱۳۵۴

- فروردین: صدور حکم مجید رهنما به عنوان قائم مقام نخست‌وزیر در طرح
- الشتر؛
- آغاز انتشار نشریه‌ی بهورز، در خدمت مردم؛
- اردیبهشت: آغاز آموزش گروه ۳۰ نفره‌ی مروّجان درون چادری در روستای
- نیازآباد؛
- انتخاب مسئول دوم اجرایی طرح: تقی فرور و کاترین رضوی؛

- افزوده شدن افراد تازه به طرح که بسیاری شان غیرایرانی بودند، از جمله وینچنزو بیانکینی که از طرح بهورز به سلسله آمده بود؛ آلبرت، مهندسی از افریقای جنوبی برای جاده سازی؛ یک لوله کش هلندی؛ پزشکی از استرالیا با همسر ژاپنی اش؛ دام پزشکی از هلند؛ و همین طور افرادی از هند، مالزی، انگلیس، بنگلادش و سیلان؛
- یوگای صبحگاه بیانکینی، مراسم چای زن ژاپنی، نقاشی بیانکینی در شهرداری؛
- هم لباس شدن اعضای گروه با محلی ها؛
- اجرای طرح بیوگاز در نیازآباد با قابلیت تأمین انرژی لازم برای روشنایی خانه ای روستایی با گازی دوشعله برای طبخ غذا؛
- آغاز به کار گروه دولوپمنت ورکشاپ برای پیش برد پروژه های معماری: آلن کین، جان نورتون، فرخ افشار و محمد دارایی؛
- تهیه ی طرح هادی الشتر.

تدارک اجرای طرح های دیگر

- استفاده از انرژی خورشیدی برای گرم کردن حمام های روستایی؛
- ساخت پمپ آبی بدون منبع سوخت و با استفاده از فشار آب؛
- پروژه ی پرورش ماهی در منطقه. این پروژه به مرحله ی اجرا نرسید، زیرا کارشناسی که برای ارزیابی عملی بودن طرح دعوت کرده بودند شرایط اقلیمی منطقه را با این پروژه سازگار ندانست؛
- تدارک تولید شیر دانش آموزان منطقه در کارگاه هایی کوچک که این هم در ادامه با کارخانه ی بزرگی که دولت با همین هدف در خرم آباد بر پا کرد پیش رفت؛
- تعداد کارکنان حقوق بگیر طرح در اواخر ۱۳۵۴ به ۷۰ نفر رسید؛
- تشکیل گروه زنان با مدیریت کاترین؛
- تنش های طرح؛
- برپایی مهدکودک الشتر با مدیریت خانم یوان هلندی و بعد اضافه شدن جوئی فرمانفرمائی؛

- ایده‌ی تنه‌ی مشترک متأثر از گروهی فرانسوی به سرپرستی سُوتر؛
- ایده‌ی مردم‌یاران؛
- آغاز احداث جاده‌ی ۱۰ کیلومتری روستای پرسک در هُنام به بروجرد با حضور هر سه گروه؛
- خروج تقی فرور، کاترین رضوی و همین‌طور سیروس دهنادی از طرح؛
- انتخاب مدیر اجرایی سوم طرح: هوشنگ بافکر؛
- مدیریت هوشنگ صدر کشاورز بر مرکز مطالعات توسعه‌ی درون‌زا؛
- اولین ارزیابی طرح از جانب سازمان برنامه و بودجه و انتقاد شدید اسدالله معزی از آن.

۱۳۵۵

- آغاز انتشار نشریه‌ی مردم‌یار، در خدمت مردم؛
- آغاز انتشار کتاب‌های مردمی؛
- پی‌گیری آموزش مردم‌یاران و شروع آن از گروه آموزگاران؛
- اردیبهشت: دومین ارزیابی طرح از جانب سازمان برنامه و بودجه، دفتر مطالعات ناحیه‌ای و انتقاد شدید مسعود شفیق از آن؛
- حضور رام باکس سینگ، از مبدعان ایده‌ی بیوگاز، در الشتر؛
- انتصاب رهنما در مقام بخشدار الشتر؛
- ساخت‌وساز و پروژه‌های عمرانی دولتی و محلی، سرعت گرفتن راه‌سازی (هر سه روز یک کیلومتر)، ساخت ۲۵ پل کوچک با قالب‌هایی بشکه‌ای و سیمانی. نمونه‌اش جاده‌ی هم‌دلی، بخشی از جاده‌ی الشتر به فیروزآباد که نام اصلی‌اش جاده‌ی آهنگران بود و چون ساختنش به درگیری‌ای عشیره‌ای پایان داد آن را جاده‌ی هم‌دلی نامیدند؛
- سیل در ده بودبل و حضور همه‌ی دست‌اندرکاران برای رفع مشکلات سیل که اثر زیادی بر جلب اعتماد اهالی داشت؛
- احداث بیمارستان روستایی چهارتخته‌ی هُنام به سرپرستی هوشنگ حمیدی؛
- احداث بیمارستان در بدره‌ی قلائی به سرپرستی هوشنگ حمیدی.

- ادامه‌ی روند ساخت‌وسازها و اجرای بخشی از طرح هادی الشتر؛
- تأسیس تعاونی روستایی آجرپزی؛
- توجه به صنایع بومی، از جمله آموزش رنگرزی بومی و استقرار چند دستگاه ماشته‌بافی در منطقه؛
- ساخت فیلم مستند آموختن برای زیستن؛
- بازسامان‌دهی مرکز مطالعات توسعه‌ی درون‌زا؛
- حضور شهرام قنبری در مرکز مطالعات توسعه‌ی درون‌زا؛
- برگزاری کارگاه معماری در یزد برای نیروهای محلی؛
- تدارک متون مهم پایه‌ای و پژوهشی؛
- آذر: «ملاحظات پیرامون مفاهیم توسعه و تحلیلی بر هدف‌های توسعه»؛
- بهمن: «آمارنامه‌ی الشتر»؛
- بهمن: «بهداشت و توسعه در طرح سلسله» (فرخ تیگرگی و شهرام قنبری)؛
- بهمن: «برآورد درآمد سرانه و درآمد خانوار در بخش الشتر»؛
- اسفند: آغاز تهیه‌ی «شناسنامه‌ی آماری همه‌ی دهات» (حدود ۳۳۰ ده)؛
- ریاست شهرام قنبری بر مرکز مطالعات توسعه‌ی درون‌زا.
- برخی اقدامات دیگر:
- تدارک تهیه‌ی گزارش جامعی از فعالیت‌ها و چشم‌اندازهای آینده‌ی توسعه در منطقه‌ی قلائی؛
- تدارک تدوین دو مونوگرافی، یکی از ده پرسک، یکی از ده زشت که اولی در شمول طرح بود و دومی نبود و از این طریق امکان برآورد تأثیرات اجرای طرح فراهم می‌آمد؛
- تدارک اجرای طرح گردآوری و مطالعه‌ی گونه‌های موسیقی بومی ابتدا در لرستان و در ادامه در سایر مناطق ایران؛
- تدارک ارزیابی کامیابی‌ها و ناکامی‌های طرح توسعه‌ی منطقه‌ای سلسله، زیر نظر دکتر احمد منظور، پژوهشگر سی‌ای‌دی^۱؛

۱. CED (Center for Demographic Studies)؛ مرکز مطالعات جمعیتی که مؤسسه‌ای است متمرکز بر تحقیق و آموزش در زمینه‌ی جمعیت‌شناسی.

- تدارک طرح تحقیق درباره‌ی شیوه‌ی معماری طاق و گنبد با همکاری دانشگاه فارابی؛
- تدوین مقاله‌ای درباره‌ی امکانات بالقوه‌ی معماری بومی؛
- ترجمه‌ی مقاله‌ی تئوریک «توسعه‌ای دیگرگون» و کتاب تحقیق دسته‌جمعی؛
- تشکیل کتابخانه و آرشیو؛
- ارتباط با سازمان‌ها و مؤسسات داخلی از جمله دانشگاه فارابی، وزارت بهداشت، بانک توسعه‌ی کشاورزی، مرکز ملی آموزش بزرگسالان، مؤسسه‌ی برنامه‌ریزی ایران، مؤسسه‌ی علوم ارتباطی و توسعه‌ی وزارت راه و غیره؛
- تدارک انتشار ویژه‌نامه‌ای برای طرح اندیشه‌ها و تأملات اساسی معطوف به مسئله‌ی توسعه؛
- اسفند: گزارش «نمونه‌هایی از کوشش‌های سلسله»؛
- ۲۸ اسفند: گزارش «فعالیت‌ها و اقدامات طرح توسعه‌ی منطقه‌ای سلسله»؛
- ارسال گزارش عملکرد طرح برای نخست‌وزیر وقت، جمشید آموزگار، به همراه نامه‌ای مبنی بر وعده‌های عبدالمجید مجیدی، ریاست سازمان برنامه، جهت افزایش بودجه‌ی طرح؛
- ۲۹ اسفند: نامه‌ی سازمان برنامه به آموزگار برای کاهش ۲۰ درصدی بودجه‌ی طرح.

۱۳۵۷

- ادامه‌ی تدوین متون پایه‌ای و پژوهشی؛
- اردیبهشت: «فرهنگ کلمات و تصاویر» (ثریا متحده)؛
- تیر: «روشی نو در قلمرو توسعه‌ی روستایی»؛
- تدارک ارزیابی سوم از طرح در دوره‌ی نخست‌وزیری آموزگار و کاهش بودجه‌ی طرح؛
- ۸ فروردین: نامه‌ی اول جمشید آموزگار به منوچهر آگاه، ریاست وقت سازمان برنامه و بودجه، برای ارزیابی طرح؛
- ۱۱ و ۱۶ اردیبهشت: دو نامه‌ی متعاقب برای پی‌گیری؛
- ۱۱ اردیبهشت: ارزیابی اسناد موجود درباره‌ی طرح از جانب منوچهر آگاه؛

- ۲۶ فروردین: دیدار رهنما با منوچهر آگاه و درخواست تجدیدنظر درباره‌ی تصمیم گرفته‌شده مبنی بر کاهش بودجه‌ی طرح و ترتیب دادن جلسه‌ای برای بررسی موضوع با حضور محمد مقدم و هوشنگ کشاورز صدر از مسئولان طرح؛
- ۲۷ فروردین و ۳۰ فروردین: نامه‌ی رهنما به محمود کاشفی، وزیر مشاور آموزگار در امور اجرایی، برای تجدیدنظر در تصمیم گرفته‌شده در خصوص کاهش بودجه‌ی طرح؛
- ارسال نامه برای منوچهر آگاه از طرف کاشفی؛
- ۲۴ اردیبهشت: نامه‌ی آگاه به صفویان برای تشکیل جلسه‌ی درخواستی رهنما و اطلاع بابت تدارک گروهی برای اعزام به منطقه جهت ارزیابی عملکرد طرح؛
- ۲ خرداد: جواب آگاه به کاشفی مبنی بر این که امکان افزایش بودجه وجود ندارد؛
- ۱۳ خرداد: تشکیل جلسه‌ی درخواستی رهنما به ریاست محمد رزاقی فرو نامه‌ی او به آگاه مبنی بر این که افزایش اعتبار طرح مقدور نیست؛
- ۱۵ خرداد: مصوبه‌ی هیئت وزیران به امضای کاشفی برای بودجه‌ی طرح؛
- ۱۲ شهریور: نامه‌ی رهنما از سر استیصال به دوستی ناشناس به عنوان آخرین تلاش برای دریافت بودجه‌ی کسرشده؛
- تعطیلی عملی طرح؛
- مدیر اجرایی چهارم: علی رهنما؛
- مدیر اجرایی پنجم: کاوه رهنما.

۱۳۵۸

- ۲۲ خرداد: جلسه‌ای با حضور معاون نخست‌وزیر در امور انتقال، هاشم صباغیان، و هوشنگ کشاورز صدر، که در دوران دولت موقت پستی در وزارت کشاورزی و عمران روستایی دارد، برگزار می‌شود برای ادغام مرکز مطالعات توسعه‌ی درون‌زا در مؤسسه‌ی پژوهش‌های دهقانی و انتقال اعتبارات آن به وزارت خانه‌ی مذکور؛

- ۱۵ مرداد: هیئت دولت تصویب می‌کند پرسنل طرح بین سه وزارت خانه‌ی آموزش و پرورش و وزارت خانه‌ی کشاورزی و عمران روستایی و وزارت خانه‌ی کشور تقسیم شوند و در ضمن، فعالیت‌ها و اقدامات طرح به تفکیک به این وزارت خانه‌ها محول شوند؛
- ۱۷ شهریور: خبر انحلال رسمی طرح با تصویب هیئت دولت با بیش از ۱۸۰ پرسنل؛
- ۷ مهر: جلسه‌ی تعیین تکلیف کارکنان طرح با حضور نمایندگان چهار وزارت خانه (علاوه بر آن‌ها، وزارت بهداری و بهزیستی هم به وزارت خانه‌ها اضافه شد) و سازمان برنامه، محمد رزاقی فرو حسن آزاد، نماینده‌ی طرح؛
- تصویب می‌کنند ۲۱ نفر را به آموزش و پرورش و ۵۱ نفر — شامل ۳۱ مروج و یک مهندس کشاورزی و ۷ کارشناس و ۱۱ کارمند مرکز — را به وزارت کشاورزی و عمران روستایی بفرستند. به نظر می‌رسد ۱۳ نفر اعضای شبکه‌ی تندرستی را نیز از قبل به وزارت بهداری و بهزیستی منتقل کرده بودند. و باقی پرسنل را، اعم از کارگر و کارمند که شمارشان به ۹۴ نفر می‌رسید، به استانداری لرستان بپارند تا در دستگاه‌های اجرایی محلی به کار گرفته شوند یا بازخریدشان کنند؛
- کل دارایی‌های طرح را به استاندار لرستان، حسین عالی، می‌سپارند تا «نسبت به احتیاج تقسیم کند». برای این امر، بخشدار الشتر، عبدالسعید کریمی، راسپرست طرح می‌کنند و حسابداری هم برایش تعیین می‌کنند، محمدعلی رسولی، که همراه با حسن آزاد تکلیف طرح را روشن کنند؛
- ادامه‌ی نامه‌نگاری‌ها درباره‌ی طرح، چه از جانب مقامات چه از جانب مردم؛
- آخرین سند دولتی درباره‌ی طرح تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۵۹ را دارد.

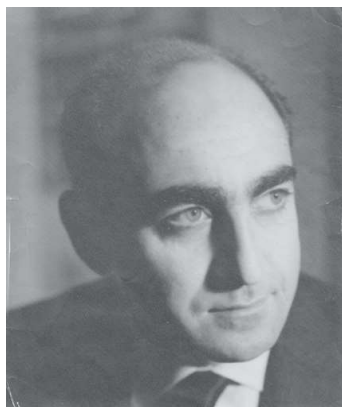
پس‌زمینه

— ۱۳۶۱-۱۳۵۸: اجرای طرح توسعه‌ی ای پی آی^۱ در مالی از جانب رهنما.

۱. EPI (Ecology Project International)؛ درباره‌ی این طرح در ادامه توضیحاتی داده شده است.

- ۱۳۵۸: برپایی مؤسسه‌ی سنستا.
- ۱۳۶۵: نامزدی پروژه‌های معماری طرح برای جایزه‌ی بنیاد آقاخان.
- ۱۳۷۱: آغاز اجرای طرح توسعه‌ی منطقه‌ای ریمله، لرستان.
- ۱۳۹۴: آغاز پروژه‌ی بازخوانی تجربه‌ی سلسله.

آلبوم گزیده‌ی طرح سلسله



مجید رهنما (۱۳۹۴ - ۱۳۰۳)

مبدع طرح سلسله (۱۳۵۷ - ۱۳۵۳)

مجید رهنما، فرزند زین العابدین رهنما وزکیه حائری، دیپلم ادبیات و علوم از دانشگاه امریکایی بیروت؛ لیسانس حقوق از دانشگاه سن ژوزف بیروت؛ فوق لیسانس اقتصاد سیاسی از سن ژوزف؛ و دکترای حقوق از دانشگاه پاریس. در ۱۳۲۴ به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. در ۱۳۴۰ به عضویت کمیسیون چهارم سازمان ملل درآمد و در پیش برد جنبش استعمارزدایی نقش مؤثری ایفا کرد. در سال ۱۳۴۶ به دعوت امیرعباس هویدا، نخست وزیر، وزارت آموزش علوم و آموزش عالی را برپا کرد و تا ۱۳۴۹ در سمت وزیر مسئولیت آن را بر عهده داشت. پس از استعفا، به طرح پژوهشی «آموختن برای زیستن» یونسکو پیوست و سپس برای انجام پژوهش در خصوص وضعیت بهداشتی در روستاهای ایران به ایران آمد که حاصل آن اجرای طرح بهورز در ۱۳۵۲ در بین عشایر استان فارس شد. در سال ۱۳۵۳ طرح سلسله را برای اجرا در منطقه‌ی سلسله (الشتر) لرستان آغاز کرد که تا ۱۳۵۷ ادامه یافت. در آستانه‌ی انقلاب ۱۳۵۷ به یوان دی پی پیوست و طرح توسعه‌ی ای پی آی را برای اجرا در کشور مالی آغاز کرد. پس از بازنشستگی از سازمان ملل، به یکی از پایه‌گذاران مکتب پساتوسعه بدل شد.

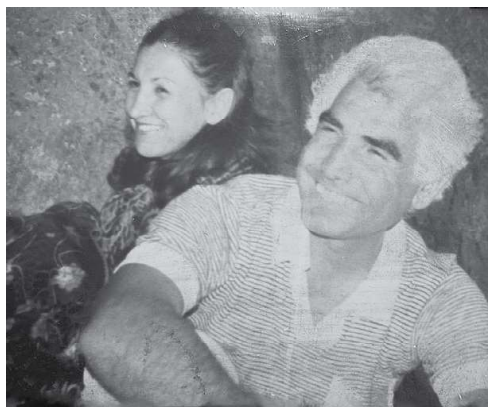


کاترین رضوی (۱۴۰۱-۱۳۲۳)

حضور در طرح سلسله: ۱۳۵۳-۱۳۵۴

مسئول اجرایی طرح سلسله (۱۳۵۴)

کاترین رضوی پس از اخذ مدرک لیسانس زیست‌شناسی در ۱۳۴۷ از دانشگاه تهران، برای تحصیل در حوزه‌ی آموزش به دانشگاه دُکُن فرانسه رفت، در ادامه فوق‌لیسانس خود را در اقتصاد در موسسه‌ی گسشن فرانسه و درجه‌ی دکترایش را در رشته‌ی توسعه‌ی روستایی در ۱۳۶۴ از دانشگاه سوربن فرانسه دریافت کرد. او که قصد داشت برای اجرای برنامه‌های توسعه به کشورهای افریقایی برود، به دعوت مجید رهنما به ایران آمد و به طرح سلسله پیوست و مدتی در حوزه‌ی ترویج کشاورزی فعالیت کرد و سپس، همراه با همسرش، تقی فرور، مدتی مسئولیت اجرایی طرح را در دست گرفتند. او همچنین گروه زنان را در طرح سلسله با هدف توانمند کردن زنان منطقه برپا کرد. اندکی پس از انقلاب ۵۷، همراه با فرور، مؤسسه‌ی سنستار را برای مطالعه‌ی اجتماعات عشایری و همچنین ترویج بهره‌گیری از انرژی‌های پاک در اجتماعات محلی برپا کردند.



هوشنگ بافکر (۱۴۰۳-۱۳۱۵)

حضور در طرح سلسله: ۱۳۵۶-۱۳۵۳

پایه گذار گروه آموزگاران طرح سلسله، مسئول اجرایی طرح سلسله (۱۳۵۶-۱۳۵۴)

هوشنگ بافکر متولد شهر مرزی باجگیران است. در کودکی به همراه خانواده اش به شهر قوچان مهاجرت کرد و سپس همراه برادر کوچک ترش، خسرو، به تهران رفت. پس از اخذ دیپلم، یک سال به قوچان بازگشت و به کشاورزی در کنار خانواده مشغول شد و در همین دوره به استخدام اداره ی فرهنگ درآمد. در ادامه، با دریافت پذیرش تحصیلی در رشته ی اقتصاد از دانشگاه سوربن در ۱۹ سالگی راهی پاریس شد، پس از مدتی اما، به دلیل بیماری مادر، به ناچار به ایران بازگشت. او تحصیلات خود را در دانشگاه ملی ادامه داد و مدرک لیسانس اقتصاد را از آن جا دریافت کرد. پس از فارغ التحصیلی، در آزمون استخدامی بانک مرکزی پذیرفته شد و به استخدام آن نهاد درآمد. در ۱۳۴۷، از بانک مرکزی استعفا داد و برای ادامه ی تحصیل به دانشگاه مونترال کانادا رفت. پس از بازگشت به ایران، در ۱۳۵۳، به توصیه ی پوری سلطانی و دعوت مجید رهنما، وارد طرح سلسله شد و در کنار فعالیت های گوناگون، گروه آموزگاران طرح سلسله را برپا کرد و از ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۶ مسئولیت اجرایی طرح را بر عهده گرفت. بعد از انقلاب ۵۷، هوشنگ بافکر از طرح سلسله به وزارت کشاورزی منتقل شد و در ۱۳۸۱ از این وزارت خانه بازنشسته شد.



از راست: آلن کین، جان نورتون،
محمد رضا دارایی و فرخ افشار (در وسط)

گروه دی دبلیو (دولوپمنت ورکشاپ) حضور در طرح سلسله (۱۳۵۷-۱۳۵۴)

گروه دی دبلیو را سه معمار جوان، آلن کین، فرخ افشار و جان نورتون، در ۱۹۷۳، در لندن تشکیل دادند. آن‌ها به شدت متأثر از حسن فتحی، معمار پیشرو مصری، بودند و مبدع ساخت خانه‌های ارزان و قابل زیست برای فقرا به دست خود آن‌ها و با امکانات محلی. با اجرای پروژه‌هایی، کارشان را در مصر و عمان آغاز کردند و در ۱۳۵۴ به واسطه‌ی محمد دارایی، که از پیش با مجید رهنما آشنایی داشت، به طرح سلسله پیوستند. با ورودشان به طرح، نه فقط به ساخت و بازسازی سکونتگاه که با رویکردی کل نگر به ساخت و سازهای لازم در صنایع روستایی، سیستم تأمین آب، فناوری‌های ساختمان‌سازی و آموزش نیز پرداختند و ذیل ایده‌های طرح، تأکیدشان را بر منابع و ظرفیت‌های محلی توسعه برای پاسخ‌گویی به مسائل موجود گذاشتند.